

آسیب شناسی مطالعه و شیوه های کنترل آن در دانش آموزان

دکتر محسن ایمانی

در شماره قبل (مهرماه ۸۱) عوامل آسیب زایی که مورد بررسی قرار گرفت عبارت بودند از: کندخوانی و اجبار کردن به مطالعه در موقعیت نامناسب. اینک ادامه مطلب از نظر گرامی تان می گذرد.

بخش هشتم

رفتار می کند. او از انجام دادن تکالیف درسی و خواندن و مطالعه کردن درس ها امتناع می کند و رغبتی به مطالعه آن ها نشان نمی دهد. هنگام بی رغبتی، امتناع از مدرسه رفتن و اضطراب در نوجوان مشاهده می شود. این امتناع بیش از آن که متوجه حضور در مدرسه باشد، به اکتسابات آموزشی مسموف است^۱ و پی آمد آن نیز می تواند بی علاقه گی نسبت به مطالعه باشد. اینک سؤال این است که چه عواملی باعث شده است که فرزند از مطالعه دوری کند و نسبت به انجام دادن آن بی رغبت باشد؟ در پاسخ به این سؤال ابتدا به علل و عوامل امتناع فرزند از مطالعه می پردازیم و سپس راه هایی را ارائه می کنیم که در پرتو آن ها فرزندان نسبت به مطالعه علاقه مند شوند، زیرا تا انگیزه یا لذتی در انجام کاری وجود نداشته باشد فرزند از پرداختن به آن خودداری می کند.

علل و عواملی که باعث امتناع فرزند از مطالعه می شوند عبارت اند از:

۲۷- از دست دادن علاقه به مطالعه

از دیگر عواملی که به مطالعه آسیب می رساند، از دست دادن علاقه به مطالعه است. لذا بارها شاهد بوده ایم دانش آموزانی که قبلاً با علاقه به سوی مطالعه گام بر می داشتند، اینک از رفتن به طرف کتاب امتناع می کنند. علاقه مند نبودن به مطالعه، یکی از انواع جدی آسیب های مطالعه به شمار می آید. علاقه نداشتن به انجام هر کاری مانع جدی بر سر راه تحقق آن کار یا پیش رفت آن است و این امر تنها در مورد مطالعه مصداق ندارد. حال باید دانست فرزندی که به مطالعه علاقه ندارد چگونه

۳- مرتبط نبودن محتوای مورد مطالعه با امور

معنی‌دار زندگی

اگر محتوایی که مورد مطالعه قرار می‌گیرد، با زندگانی دانش‌آموز مرتبط باشد، او به مطالعه و فراگیری آن رغبت بیشتری پیدا می‌کند و اگر آنچه می‌خواند، ارتباطی با زندگی روزمره‌اش نداشته باشد و مشکلی از مشکلات وی را حل و فصل نکند، او کم‌تر علاقه‌مند به مطالعه این‌گونه محتواها خواهد بود. لذا این امر باید مدنظر دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی درسی قرار گیرد و با بهره‌گرفتن از تجربیات علمی خود و نیز با شناخت هر چه بیش‌تر دانش‌آموزان و نیازهای آن‌ها به تهیه و تدوین محتوایی متناسب اقدام کنند تا مانع علاقه‌مندی دانش‌آموزان به مطالعه نشوند.



۱- عدم تشویق مادی و اکتفا به تشویق کلامی

بعضی از دانش‌آموزانی که به مرکز مشاوره مراجعه می‌کنند چنین ابراز می‌دارند که والدین آن‌ها نسبت به تشویق فرزند خود اهمال کرده‌اند یا والدین، خود اذعان می‌دارند که تاکنون فرزند خود را در امور تحصیلی و از جمله در حین مطالعه تشویق نکرده‌اند. به خاطر دارم روزی از دانش‌آموز کلاس دوم دبستان که دچار افت تحصیلی بود پرسیدم: آیا وقتی که درس می‌خوانی والدینت تو را تشویق می‌کنند؟ او گفت: والدینم مرا تشویق می‌کنند، اما فقط با تشویق‌های بدون خرج، یعنی مدام می‌گویند: آفرین، بارکاه... اما تا به حال برایم چیزی نخریده‌اند. یافته‌های علمی حکایت از آن دارد که افرادی که تشویق نمی‌شوند از پیش‌رفت تحصیلی کم‌تری برخوردار می‌گردند. تشویق‌های مادی و روانی در علاقه‌مندی فرزندان به مطالعه مؤثر است و موجبات پیش‌رفت تحصیلی آنان را فراهم می‌کند.

۲- تنبیه برای وادار کردن به مطالعه و در حین

آن

برخی از والدین نه تنها فرزندان خود را برای مطالعه کردن مورد تشویق قرار نمی‌دهند، بلکه آن‌ها را با تنبیه به سوی مطالعه هدایت می‌کنند. این امر باعث می‌شود که فرزندان رفته رفته علاقه خود را نسبت به مطالعه از دست بدهند و به علاوه در حین مطالعه هم از تمرکز کافی برخوردار نباشند. برخی از والدین نیز فرزندان خود را به علت خطاهایی که قبلاً انجام داده‌اند، در حین مطالعه تنبیه می‌کنند. این امر نیز به شرطی شدن سطح بالا منجر می‌شود که در نهایت می‌تواند به بی‌زاری از مدرسه بینجامد. مضافاً این که تا ترس وجود دارد، بچه‌ها نقش مطالعه کردن را بازی می‌کنند و با از بین رفتن منبع ترس - مثلاً بیرون رفتن پدر از خانه - مطالعه یا نمایش آن نیز تعطیل می‌شود. پس باید به بررسی علل بی‌علاقگی برای حل ریشه‌ای آن اقدام کرد.



۴- حفظ کردن مطالب و فهمیدن آن

روشن ولی کم، به مراتب از دانستن اندیشه‌های زیادی که فهمیده و درک نشده باشند، بهتر است.^۲

معصوم - علیه السلام - می‌فرماید: "لاخیر فی علم لیس فیہ تفہم، الا لاخیر فی قرآن لیس فیہ تدبیر." در علمی که همراه آن فهم و درک نباشد خیری نیست و در خواندنی که همراه با تدبیر نباشد خیری وجود ندارد. وقتی که فرزندان ما مطالبی را مطالعه کنند و آن را نفهمند این امر موجب خستگی و بی‌علاقگی آن‌ها به مطالب درسی می‌شود و بیم آن می‌رود که تأکید فراوان بر محفوظات موجب ترک تحصیل را نیز فراهم آورد. دبس می‌گوید: از معلمین می‌پرسم که چرا تا این حد بر محفوظات تأکید می‌کنید؟ آن‌ها در جواب می‌گویند: می‌خواهیم اگر آن‌ها ترک تحصیل کردند لااقل مطالب زیادی را در خاطر داشته باشند. اما دبس معتقد است که چه بسا این همه تأکید بر حفظیات نقض غرض باشد و خود منجر به ترک تحصیل بشود. لذا باید تدبیری اندیشید که شاگرد کم‌تر تحت تأثیر فشارهای ناشی از حفظ کردن مطالب قرار بگیرد و معلم و والدین انتظار فهم و درک مطالب را داشته باشند. به قول جان لاک، داشتن اندیشه‌های

۵- ضعف در پایه‌های تحصیلی گذشته

یکی دیگر از عواملی که موجبات بی‌علاقگی به مطالعه را فراهم می‌کند، ضعف‌هایی است که دانش‌آموزان در سنوات قبلی تحصیل داشته‌اند. لذا به علت ناآشنایی با پیش‌نیازها وقتی که به سراغ کتاب درسی می‌روند و مطالب آن را نمی‌فهمند، نسبت به مطالعه احساس بی‌علاقگی می‌کنند و طبیعی است که عدم درک مطالب در سال جاری، موجب بی‌رغبتی نسبت به مطالعه می‌شود. از این رو لازم است که چنین ضعف‌هایی در فرصت‌های مناسب مانند تابستان با حضور در کلاس‌های تقویتی برطرف شود.

۶- جالب و جذاب نبودن کتاب‌های درسی و حجم زیاد آن‌ها

اگر کتاب درسی فاقد جذابیت کافی باشد یا خط و انشا و شیوه نگارش آن مناسب نباشد و طرح‌ها و

موجب افزایش علاقه فرد به مطالعه شود.

۱۰- نداشتن مهارت‌های کافی در مطالعه

عدم آشنایی با مهارت‌های مطالعه کردن، آن را دشوار و ناگوار می‌سازد و این امر خود موجب بی‌علاقگی به مطالعه می‌شود. پس لازم است که فرزندان با مهارت‌های خواندن و مطالعه کردن آشنا باشند، چرا که در اثر آشنایی با این گونه مهارت‌ها می‌توانند در مطالعه موفق باشند، فرایند مطالعه برای آنان رضایت‌آمیز و خرسند کننده شود و میل آن‌ها به مطالعه افزایش یابد.

۱۱- عدم ارزشیابی مناسب در مدرسه

اگر دانش‌آموزی احساس کند که نمره او در امتحانی که سخت برای آن کوشیده است، با نمره دانش‌آموزی که تلاش کم‌تری به عمل آورده (یا از طریق تقلب نمره‌ای مانند او به دست آورده است)، کم و بیش یکسان است، ممکن است از تلاش کافی برای مطالعه دست بردارد. زیرا احساس می‌کند که مطالعه پیش‌تر و بهتر در عمل کارایی و سودمندی چندانی ندارد. پس ارزشیابی مناسب در مدرسه از جمله عوامل مهم در ایجاد علاقه به مطالعه است.

تصاویر جالبی در آن ملاحظه نشود، کم‌تر میل و انگیزه مطالعه را در دانش‌آموز پدید می‌آورد. حجم زیاد کتاب‌های درسی نیز منجر به خستگی می‌شود و گاه فرزند در فراگیری آن احساس ناتوانی و نومیدی می‌کند و این گونه امور موجب بی‌علاقگی او به مطالعه می‌شود. لذا لازم است که دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی درسی^۳ در هنگام تدوین کتاب‌های درسی به جذابیت کتاب‌ها و تناسب حجم آن‌ها با توانایی‌های دانش‌آموزان بیش‌تر توجه کنند.

۷- پیوسته خواندن مطالب درسی

نبود استراحت و خواندن به طور پیوسته زمینه خستگی و دل‌زدگی نسبت به مطالعه را فراهم می‌آورد و باعث احساس تنفر نسبت به امر مطالعه می‌گردد. انجام مداوم یک فعالیت و بدون در نظر گرفتن وقتی برای استراحت، خستگی فزاینده‌ای در پی دارد و این امر به ایجاد نفرت از آن فعالیت می‌انجامد که در مورد مطالعه نیز این امر مصداق دارد. لذا باید به دانش‌آموز کمک کرد تا به تدریج یاد بگیرد که به هنگام داشتن آمادگی به سراغ مطالعه برود و نه در حین خستگی.

۸- مطالعه در حین خستگی

مطالعه کردن در موقعیتی که فرد خسته است نیز موجب بی‌علاقگی او به مطالعه می‌شود. چرا که وجود خستگی باعث کندی در پیش‌رفت کارها می‌شود و اشتیاق کم‌تری را بر می‌انگیزد. پس انتخاب زمان مناسب برای مطالعه مانع بروز چنین آسیبی می‌شود.

۹- وجود اختلالات روانی

وجود اختلالات روانی، مانند اضطراب، افسردگی، تحرک بیش از حد، عدم اعتماد به نفس، وسواس فکری و اختلالات دیگری نظیر این‌ها موجب می‌شود که فرد فاقد رغبت کافی برای مطالعه باشد. لذا درمان این گونه اختلال‌ها می‌تواند

۱۲- وجود مشکلات خانوادگی و تعدد فرزندان

اگر خانواده دارای مشکلات فراوانی باشد که دغدغه‌های فکری برای فرزند فراهم کند، از تمایل او به مطالعه کاسته می‌شود. طلاق، پرجمعیت بودن خانواده، فقر، بیکاری پدر، ابتلای افراد خانواده به بیماری‌های صعب‌العلاج و عواملی نظیر این‌ها می‌تواند موجبات بی‌علاقگی فرزندان را به مطالعه فراهم آورد، زیرا دل‌مشغولی‌های فرزند مانع از توجه او به مطالب درسی، مطالعه و یادگیری می‌شود. بنابراین تلاش برای کاهش مشکلات خانوادگی راهی برای افزایش تمایل فرزند به مطالعه است.



۱۳- مشکلات موجود در آموزشگاه

تلاش ناکافی معلمان یک آموزشگاه، تدریس نامطلوب، دادن تکالیف سنگین به دانش‌آموزان، نبودن یا کم بودن ارتباط عاطفی بین معلمان و شاگردان، کمی‌انگیزه در معلمان، نبود ابداع و نوآوری در روش‌های تدریس و استفاده نکردن از وسایل کمک آموزشی نیز می‌تواند دانش‌آموزان را نسبت به تحصیل و یادگیری و مطالعه بی‌علاقه سازد. پس حل مشکلات موجود در آموزشگاه می‌تواند بر تمایل دانش‌آموزان نسبت به مطالعه بیفزاید.

۱۴- دوستان بی‌علاقه به تحصیل

اگر دانش‌آموز دوستانی انتخاب کند که نسبت به مطالعه بی‌علاقه باشند، کم‌کم این بی‌علاقگی در او نیز پدید می‌آید، یا لااقل اگر بخواهد مطالعه کند، با مزاحمت‌های دوستان خود فرصت چندانی برای مطالعه نخواهد داشت و کمی فرصت مطالعه باعث کاهش نمرات او شده، بازخوردهای منفی ناشی از آن به کاهش تمایل به مطالعه می‌انجامد. راهنمایی فرزندان به انتخاب دوستان با سواد اهل مطالعه، از بسوز چنین وضعیت مخاطره‌آمیزی جلوگیری می‌کند.

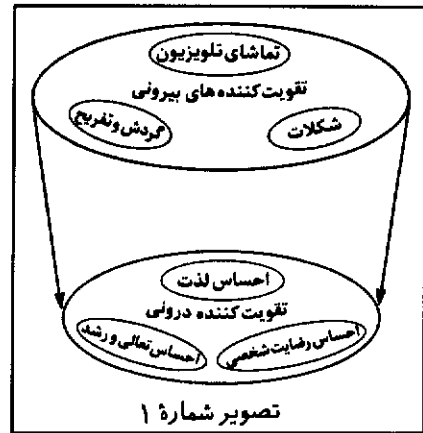
۱۵- ابتلا به بیماری‌های جسمانی

وجود بیماری‌های جسمانی نیز ممکن است تمایل فرزندان نسبت به امر مطالعه را کاهش دهد. مثلاً دانش‌آموزی که به علت ضعف بینایی در حین مطالعه دچار سردرد می‌شود، قطعاً از تمایل او نسبت به مطالعه کاسته می‌شود. پس برای ایجاد تمایل در دانش‌آموز نسبت به مطالعه باید این گونه موانع را از سر راه او برداشت تا مطالعه وی قرین موفقیت گردد. به عنوان مثال گرفتن عینک برای دانش‌آموزی که دچار ضعف بینایی است یا چشمانی آستیگمات دارد می‌تواند سردرد او را از بین ببرد و علاقه‌مندی‌اش را به مطالعه حفظ کند.

۱۶- درک نکردن لذت مطالعه

تمایل به مطالعه زمانی برانگیخته می‌شود که مطالعه‌کننده از مطالعه کردن، فهمیدن و یادگرفتن احساس لذت کند. در شرح احوال خواجه نصیرالدین طوسی نوشته‌اند که او گاه شب‌ها تا صبح مطالعه و مشکلی را حل می‌کرد. او با خود می‌گفت: "چگونه ممکن است شاهزادگان این گونه لذت را در یابند؟" اگر خواجه از مطالعه خود احساس لذت نمی‌کرد آیا چنین سخنانی را بر لبان خویش جاری می‌ساخت؟

پس باید ترتیبی اتخاذ کرد که حرکتی که از تقویت‌کننده‌های بیرونی آغاز شده است استمرار



یابد تا بعدها فرزندان ما بتوانند به تقویت درونی دست یابند و مانند خواجه نصیر، آن گاه که به درک مطلبی نائل می شوند به اندازه ایشان احساس شادی و شغف کنند. اگر فردی به چنین حالتی دست یابد، حاشا و کلا که دیگر از مطالعه دست بردارد. پس تقویت کننده های بیرونی، یعنی تأمین کردن خواست ها و علائق فرزندان نظیر تهیه خوراکی دلخواه، تماشای تلویزیون و بردن فرزند به گردش و تفریح و امثال این هاست که در صورت استمرار به تقویت کننده درونی منجر می شود که همان احساس لذت و دست یافتن به رضایت شخصی است (مانند تصویر شماره یک).

نتیجه:

اگر عوامل و موانع مطالعه دانش آموزان و از جمله علل بی علاقه ای آنها را مورد شناسایی قرار بدهیم و برای رفع آنها تلاش کنیم می توانیم در جهت علاقه مند ساختن آنان به مطالعه گام های مؤثری برداریم (در تصویر شماره دو علل بی علاقه ای به مطالعه و شیوه های برخورد با آنها ملاحظه می شود).

۱۷- تأکید بیش از حد والدین برخواندن

به خاطر دارم که یک روز مادری به مرکز مشاوره مراجعه کرد و گفت: فرزندم مطالعه نمی کند و مدتی

است که به مدرسه هم نمی رود. درصدد علت یابی بودم که مسئله ای توجه مرا به خود جلب کرد و آن نکته ای ظریف و درخور توجه بود. مادر اظهار می داشت: من چون خودم تا کلاس سوم دبیرستان درس خوانده بودم و نگران آن بودم که مبدا پسر من چون من درس خود را نیمه کاره رها کند، لذا مدام به او می گفتم بخوان، بخوان، بخوان و او نیز نخواند و نخواند و نخواند و بالاخره سه سال هم زودتر از من یعنی در سال سوم راهنمایی درس خواندن را رها کرد. دختر نوجوانی نیز که همراه پدرش برای مشاوره آمده بود از رفتار پدر خود گله مند بود و می گفت: پدرم به من زیاد می گوید مطالعه کن و این امر مرا خسته کرده است و پدر معتقد بود که دخترش درس نمی خواند. دختر اندکی بعد از پدرش خواست چند لحظه ای از اتاق بیرون برود و سپس رو به من کرد و گفت: از بس که پدرم به من می گوید درس بخوان، خسته شده ام و با او لجبازی می کنم. مثلاً دیشب تصمیم گرفته بودم تا دیر وقت مطالعه کنم و مشغول مطالعه هم بودم و پدرم هم دید که من مطالعه می کنم، با این حال سرش را داخل اتاقم کرد و گفت: دخترم درست را بخوان و من از لج بابا چند لحظه بعد چراغ را خاموش کردم و خوابیدم.

این گونه موارد و نمونه های مشابه حکایت از آن دارد که تأکید بیش از اندازه بر مطالعه، موجب بی علاقه ای فرزندان به مطالعه می شود و باید از آن جداً پرهیز کرد. ولی تجارب والدین نیز نشان می دهد که اگر آنها اصلاً به فرزندان خود تذکر ندهند، فرزندان به طور جدی اقدام به مطالعه نمی کنند، لذا وقتی از فرزندان آنها سؤال می کنم که آیا مایل اید به مادر یا پدرتان بگوییم که به شما در مورد انجام مطالعه تذکر می دهند، نوعاً می گویند: نه، تذکر بدهند ولی زیاد و مکرر گفتن آنها ما را آزار می دهد. گاهی نیز ضرورت داشتن برنامه را به دانش آموزان متذکر شده ام. دانش آموزان نوعاً از یادآوری زمان مطالعه توسط والدین رضایت بیش تری احساس می کنند تا این که مکرراً در مورد مطالعه به آنها تذکر داده شود. به عبارت دیگر زیاد

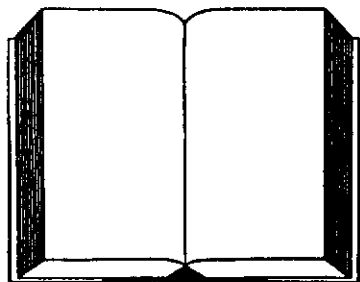
شیوه‌های برخورد با بی‌علاقگی به مطالعه

- انجام تشویق‌های مادی و روانی
- پرهیز از تنبیه بدنی قبل از مطالعه و در حین آن
- مرتبط ساختن محتوای کتاب‌های درسی با امور معنی‌دار زندگی
- تأکید بر فهمیدن مطالب
- تلاش برای جبران ضعف‌های سنوات گذشته
- جالب و جذاب ساختن کتاب‌ها و کاهش حجم آنها
- مطالعه کردن توأم با استراحت
- مطالعه کردن در هنگام آمادگی
- درمان اختلالات روانی
- کسب مهارت‌های مناسب برای مطالعه
- ارزشیابی مناسب در مدرسه
- تلاش برای حل مشکلات خانوادگی
- حل مشکلات موجود در آموزشگاه
- انتخاب دوستان علاقه‌مند به تحصیل
- درمان بیماری‌های جسمانی
- درک لذت مطالعه
- یادآوری زمان مطالعه توسط والدین بر حسب ضرورت
- تلاش برای اشتغال تحصیل‌کردگان

علل و عوامل بی‌علاقگی فرزندان به مطالعه

- عدم تشویق مادی و اکتفا به تشویق کلامی
- تنبیه برای وادار کردن به مطالعه و در حین آن
- مرتبط نبودن محتوای مورد مطالعه با امور معنی‌دار زندگی
- حفظ کردن مطالب و نفهمیدن آن
- ضعف در پایه‌های تحصیلی گذشته
- جالب و جذاب نبودن کتاب‌های درسی و حجم بودن آنها
- پیوسته خواندن مطالب درسی
- مطالعه در حین خستگی
- وجود اختلالات روانی
- نداشتن مهارت‌های کافی در مطالعه
- عدم ارزشیابی مناسب در مدرسه
- وجود مشکلات خانوادگی و تعدد فرزندان
- مشکلات موجود در آموزشگاه
- دوستان بی‌علاقه به تحصیل
- بیماری‌های جسمانی
- عدم درک لذت مطالعه
- تأکید بیش از حد والدین بر خواندن
- بیکاری افراد تحصیل‌کرده و یاکمی در آمد آنها

تصویر شماره ۲



گفتن موجب بی‌علاقگی است و یادآوری نکردن باعث بی‌تحریکی. پس، گفتن در حد مناسب لازم و ضروری است.

۱۸- بیکاری افراد تحصیل کرده یا کمی درآمد

آن‌ها

اگر در جامعه‌ای افراد تحصیل کرده بیکار باشند یا میزان درآمد آنان کم باشد، این امر باعث می‌شود دانش‌آموزان، به ویژه در سطوح بالاتر تحصیلی، تمایل کم‌تری به مطالعه و فراگیری دروس پیدا کنند، چنان‌که اکنون در جامعه ما چنین مشکلاتی به چشم می‌خورد و این امر به عنوان مستمسکی در دست دانش‌آموزان قرار گرفته و عده‌ای از آن‌ها را نسبت به تحصیل و مطالعه بی‌علاقه کرده است. به‌طور قطع ادامه چنین وضعیتی مطلوب نیست و دولت‌مردان باید برای اشتغال و افزایش درآمد انسان‌های تحصیل کرده تلاش جدی‌تری به عمل آورند. انجام چنین اقداماتی می‌تواند موجب افزایش تمایل دانش‌آموزان به تحصیل و مطالعه گردد. اما نکته دیگری که باید برای دانش‌آموزان تبیین شود این است که درباره افراد تحصیل کرده موارد ذیل مصداق دارد:

۱- اگر در آینده شغلی در سطح بالا پدید آید آن‌ها نسبت به افراد بی‌سواد اولویت دارند.
۲- افراد تحصیل کرده معمولاً از سطح درک و فهم بالاتری برخوردارند، لذا در امور زندگی خویش تدابیر بهتری در پیش‌رو خواهند داشت و این امر به حل مشکلاتی که آن‌ها در زندگی با آن برخورد می‌کنند کمک مؤثری می‌کند، حال آن‌که افراد کم‌سواد یا بی‌سواد فاقد این گونه تدابیرند.

۳- همه با سوادها بیکار نیستند و در حال حاضر فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها به کار اشتغال دارند و اگر دانش‌آموزان خوب درس بخوانند و کفایت‌های لازم را کسب کنند می‌توانند جزو همین فارغ‌التحصیلان باشند.

۴- عده‌ای از تحصیل کرده‌ها خود کار آفرین بوده‌اند و پس از فراغت از تحصیل، به ابداع کار و

خدمتی پرداخته و مشغول به کار شده‌اند.

۵- همه کسانی که ترک تحصیل کرده و به امید دست یافتن به کار از درس و تحصیل بازمانده‌اند نیز معلوم نیست که همیشه سرنوشت خوب و موفقیت‌آمیزی داشته باشند، چنان‌که عده‌ای نیز گرفتار اعتیاد و بزهکاری‌ها^۵ و انحرافات اجتماعی^۶ شده‌اند. میزان ارتکاب جرایم در افرادی که از سطوح تحصیلی پایین‌تری برخوردارند بیش‌تر از افرادی است که به مدارج عالی‌تر تحصیلی دسته یافته‌اند.
۶- شأن و منزلت اجتماعی^۷ افراد تحصیل کرده به مراتب بالاتر از کسانی است که بی‌سواد یا کم‌سوادند.

۷- افراد تحصیل کرده و دانش‌آموخته معمولاً در روابط اجتماعی موفق‌ترند و از روابط اجتماعی خود با دیگران احساس رضایت‌مندی بیش‌تری دارند و بالعکس.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- روان‌شناسی مرضی، صفحه ۸۸.
- ۲- تاریخ اندیشه‌های تربیتی، جلد اول، صفحه ۳۱۴.

3- CURRICULUM PLANING

۴- تاریخ فرهنگ ایران، صفحه ۲۵۹.

5- DELINQUENCIES

6- SOCIAL DEVIATIONS

7- SOCIAL PRESTIGE